

تداخل فرهنگی و زیستی گروه‌های انسانی در ایران

مورد مطالعه: روستاهای بخش چادگان از استان اصفهان

اصغر عسکری خانقاه

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

چکیده

در یک بحث مردم شناختی تداخل فرهنگی و زیستی گروه‌های انسانی از جمله مباحثی است که می‌تواند محققان علوم اجتماعی را به بسیاری از نهفته‌های فرهنگی انسان در ارتباط با مسائل زیستی‌اش رهنمون شود، مقاله حاضر خلاصه‌ای از بخش اول طرح تداخل فرهنگی و زیستی گروه‌های انسانی در ایران است* که در روستاهای بخش چادگان اصفهان به انجام رسیده است. این بخش از طرح مزبور به مطالعه مشخصه‌های فرهنگی و نتایج بررسی داده‌های و خانوارهای ساکن در روستاهای بخش چادگان و نیز به مشخصه‌های انسان سنجی (آنتروپومتری) اعضاء خانوارهای مورد بررسی در روستاهای فوق می‌پردازد. در جستجوی این مسأله که تحولات فرهنگی تا کجا به تحولات جسمانی ارتباط می‌یابد و آیا می‌توان میان گرایشهای فرهنگی و گرایشهای جسمانی رابطه‌ای قایل شد، با استفاده و با به کارگیری روشها و ابزار متداول در مردم‌شناسی و انسان سنجی در منطقه مورد مطالعه به این نتیجه می‌رسد که گرایشهای فرهنگی گروه‌های ترکیبی در ارتباط مستقیم با گرایشهای جسمانی است. به طوری که تغییرات و تحولات ناشی از آنها به طور همسو و هماهنگ صورت می‌پذیرد یا به عبارت دیگر گرایشهای فرهنگی نمی‌تواند جدا از گرایشهای جسمانی باشد.

واژگان کلیدی: چادگان، اصفهان، تداخل فرهنگی و زیستی، مشخصه‌های فرهنگی،

انسان سنجی، گرایشهای فرهنگی، گرایشهای جسمانی.

* این طرح با بودجه دانشگاه تهران، از طریق مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی با همکاری پژوهشگران: فریبا دژی،

فاطمه وطنی، مهین رادمنش، مهناز عابدی و لوجردی، صدیقه امیرکیائی، اصغر عسکری خانقاه، فرزاد فروزانفر، عباس فولاد و مجید کوشی صورت

گرفته و در تاریخ ۷۷/۴/۲۰ در کمیسیون تخصصی علوم انسانی مطرح و پس از تأیید، جایزه طرح برگزیده سال ۱۳۷۷ دانشگاه تهران را نصیب

مقدمه

انسان امروز در مسیرهای مختلف در حال تغییر محیط و عوامل زیستی خویش است و هر جا که آمادگی طبیعت با او به نوعی سازگاری مکانی منجر شود، می‌تواند استقرار خویش را در زمان به نمایش بگذارد و سفره خویشاوندی یا نزدیکی به اقوام همسایه را بگستراند. در چنین وضعیتی که بر انسان حاکم است، طبیعت و آنچه در آن است حاکم بر نیروی فکر و جسم اوست و در عوض خود انسان نیز فرماندهی بر عناصر طبیعت را به منصفه ظهور می‌رساند. شاید به این دلیل است که با آمیزش اقوام در این گردونه متحرک و با تفکر قوام یافته انسان و آگاهی بصیرانه وی از نظام طبیعت، دیگر اختلاط و آمیزش نژادی به هیچ وجه به او اجازه این اندیشه را که از یک نژاد ویژه سرشته شده است، نخواهد داد. هر قدر قومیتها از نقاط مختلف به یک منطقه از سرزمین موعود سرازیر شوند، این ترکیب نژادی خود را بیشتر می‌نمایاند و انسان را به قلمرو نوعی ویژگیهای فلسفی، اخلاقی، اقتصادی، زیست محیطی و فرهنگی سوق می‌دهد. پس در چنین هنگامه‌ای انسان خردمند عصر ما به ناچار تصمیم می‌گیرد که چگونه بزید، چه سان ساکن شود و با چه قانون و آیینی بار اقتصادی، فرهنگی، زیستی، مذهبی و عوامل مترتب بر آن را با همسایگان خویش منطبق کند.

آنچه در پی می‌آید خلاصه‌ای از بخش اول طرح "تداخل فرهنگی و زیستی گروههای انسانی در ایران (مورد: چادگان اصفهان)" است.

مطالعه تداخل زیستی - فرهنگی از جمله مباحثی است که می‌تواند محققان علوم اجتماعی را به بسیاری از نهفته‌های فرهنگی انسان در زمینه مسائل زیستی، رهنمون شود، از این رو، روستاهایی، به عنوان نمونه، در بخش چادگان شهرستان فریدن انتخاب شدند. در انتخاب این روستاها با توجه به ویژگیهای اقوام مختلف ساکن در کرانه‌های زاینده رود، سعی بر آن بوده که وضعیت فرهنگی و زیستی گروههای مختلف در یک منطقه همگون مورد بررسی قرار گیرد و اینکه چگونه سه گروه قومی ترک، لر و فارس، که از نظر خانواده زبانی دارای مشخصات متفاوتی هستند، با گذشت زمان و به تدریج و تحت عوامل مختلف جغرافیایی، فرهنگی و به ویژه سیاسی، در یک منطقه همگون (لرنشین) ساکن شده‌اند و این سکونت چه عناصر جدیدی را در زندگی زیستی و فرهنگی آنها داخل کرده است و تحت این عناصر، ترکیب زیستی و فرهنگی این اقوام از چه ویژگیهای متفاوت و یا جدیدی برخوردار شده و چه عناصر یا مناسبات

زبانی یا خویشاوندی بر آنان حاکم شده است و به این ترتیب چه تأثیر و تأثیری از نظر وضعیت زیست محیطی، فرهنگی و یا زیستی یافته‌اند، که در این میان امتزاج گروه‌های همجوار و ازدواج‌های نسبی (و به ویژه خویشاوندی نزدیک) و سببی (غیر خویشاوندی) و به عبارت دیگر چه نوع ازدواج‌های برون‌گروهی و درون‌گروهی در بین آنان، در طی سالها اقامت در یک منطقه همگون به وجود آمده است و ترکیب نسل‌های جدید با چه نوع فرهنگ یا ساختار فرهنگی و جاذبه‌های جسمانی مترتب بر آن ظاهر شده است؟

با توجه به مسائل فوق چهار روستای کمیتک^۱، قلعه شاهرخ^۲، بردشاه^۳، و فراموشجان^۴ (در بخش چادگان و مستقر در کناره‌های زاینده‌رود) انتخاب شدند تا همه عوامل فرهنگی، زیستی یا چگونگی تداخل دو عامل زیست و فرهنگ مورد ارزیابی قرار گیرد و از این طریق راه برای مطالعات بعدی، که استقرار اقوام بیشتری را در یک منطقه همگون در برمی‌گیرد، باز شود. برای روستاهای مورد مطالعه دو نوع پرسشنامه فرهنگی و زیستی تهیه و تنظیم شد. علاوه بر آن بیشتر سعی پژوهشگران بر آن بوده است که پس از تکمیل پرسشنامه، انطباق دو پدیده فرهنگی و زیستی را مد نظر قرار دهند. پس از آزمایش‌های نخستین و با توجه به همه عوامل موجود در چهار روستا، چه از نظر وضعیت زیست محیطی و یا از نظر چگونگی ارتباط فرهنگی در داخل روستاها، سرانجام ۱۵ درصد از خانوارهای ساکن، مورد آزمایش‌های انسان‌سنجی^۵ و مطالعات فرهنگی - زیستی قرار گرفتند. جمع کل خانوارها در چهار روستا ۶۸۷ خانوار بود که با احتساب ۱۵ درصد از کل خانوارها در مجموع ۱۰۳ خانوار در چهار روستا مورد ارزیابی و پژوهش میدانی قرار گرفتند و ۱۰۳ پرسشنامه بر اساس میزان جمعیت هر یک از روستاها و نیز چگونگی ترکیب بندی و تعداد خانوارهای متعلق به گروه‌های قومی مختلف در روستاهای مذکور تکمیل شد (روستاهای قلعه شاهرخ، فراموشجان، کمیتک و بردشاه به ترتیب بیشترین تا کمترین تعداد خانوار را دارا بودند).

1 . Komitak

2 . Gal'e - šáhrox

3 . Bardšáh

4 . Farâmuš - jân

5 . Anthropometry

جدول شماره ۰۱ توزیع پاسخگویان برحسب روستای محل سکونت

نام روستا	تعداد خانوار	جمعیت به نفر	تعداد خانوار نمونه	درصد نمونه‌ها
کمیتک	۱۷۲	۹۵۰	۲۶	۱۵
قلعه شاهرخ	۲۳۰	۱۳۵۰	۳۵	۱۵
فراموشجان	۱۸۰	۱۱۰۰	۲۷	۱۵
بردشاه	۱۰۵	۶۰۰	۱۶	۱۵
جمع	۶۷۸	۴۰۰۰	۱۰۴-۱=۱۰۳*	۱۵

روش مطالعه در این تحقیق علاوه بر مطالعه اسناد و مدارک، به صورت مشاهده مستقیم و مشارکتی، توأم با مصاحبه و با استفاده از ابزارهای انسان‌سنجی بوده است. در این بررسی از روشهای معمول در مردم‌شناسی و انسان‌شناسی زیستی (زیست‌سنجی^۱ و انسان‌سنجی) استفاده شده است.

وضعیت جغرافیایی روستاهای مورد مطالعه

۱. روستای کمیتک: این روستا در ۳۰ کیلومتری جنوب داران (در شهرستان فریدن) و کنار جاده کوه‌رنگ قرار دارد (سازمان جغرافیایی کشور ۱۳۵۵، ص ۱۶۰) و دارای آب و هوای سرد کوهستانی با تابستانهای معتدل است و ساکنان آن را اقوام لر و ترک تشکیل می‌دهند که به زراعت و گله‌داری اشتغال دارند.

۲. روستای فراموشجان: این روستا در ۳۷ کیلومتری جنوب داران از شهرستان فریدن و متصل به جاده کوه‌رنگ (سازمان جغرافیایی کشور، همان، ص ۱۴۰) قرار دارد و دارای آب و هوای سرد کوهستانی است. ساکنان این روستا را اقوام لر و ترک تشکیل می‌دهند که از طریق زراعت امرار معاش می‌کنند.

* در بررسی نهایی (با توجه به ضوابط سنی و رشد جسمی و عدم فرسودگی اعضا) یکی از خانوارها به دلیل کهولت و نداشتن فرزند حذف شد.

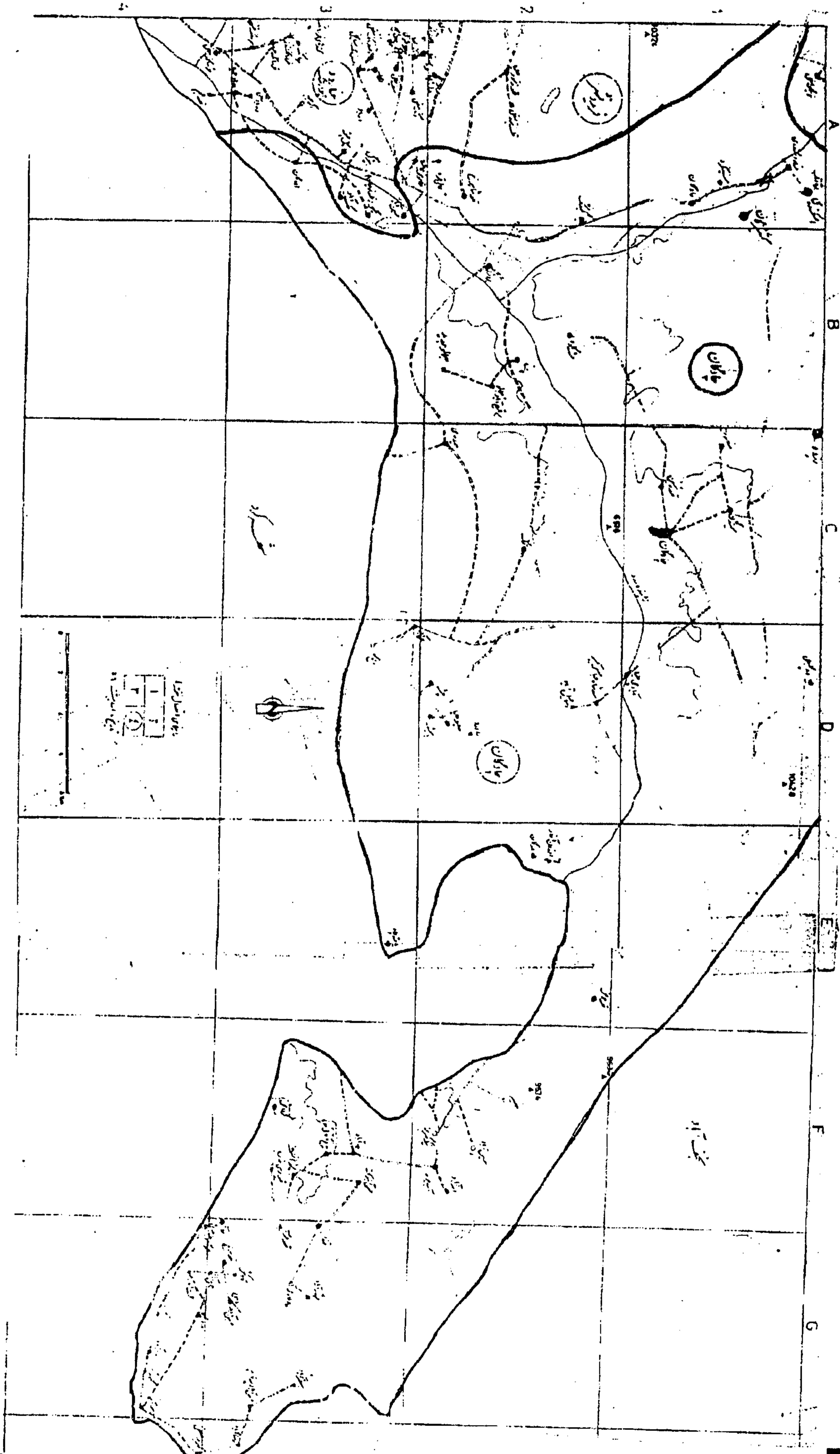
۳. روستای قلعه شاهرخ: این روستا در ۳۵ کیلومتری جنوب داران، در کنار راه کوه‌رننگ (سازمان جغرافیایی کشور، همان، ص ۱۴۸) قرار دارد و دارای آب و هوای سرد کوهستانی و تابستانهای معتدل است. ساکنان این روستا را اقوام لُر و ترک تشکیل می‌دهند و زراعت و گله‌داری از مشاغل عمده روستاییان محسوب می‌شود.

۴. روستای بردشاه: این روستا در ۳۴ کیلومتری جنوب داران (سازمان جغرافیایی کشور، همان، ص ۳۷) و در کنار زاینده رود قرار دارد و دارای آب و هوای سرد است. اغلب اهالی این روستا به زراعت اشتغال دارند.

نقشه شماره ۰۱ شهرستان فریدن



نقشه شماره ۰۲، موقعیت جغرافیایی روستاهای مورد مطالعه



مشخصه‌های فرهنگی و نتایج بررسی داده‌ها در خانوارهای ساکن در روستاهای نمونه

در بررسی فرهنگی منطقه مورد مطالعه همان گونه که قبلاً آمده. علاوه بر مشاهده‌ها و مصاحبه‌ها از پرسشنامه‌های خاصی نیز که به همین منظور تهیه شده بود، استفاده شد. بررسی و تکمیل پرسشنامه‌های فرهنگی، همزمان با پرسشنامه‌های انسان‌سنجی در خانوارهای انتخاب شده، انجام شد. از این رو، مطالعه انجام شده اندکی به بررسی ویژگیهای فردی و خانوادگی پاسخگویان می‌پردازد. در بخش فرهنگی نیز پرسشنامه‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند. بخش اول سؤالات مربوط به سرپرست خانوار و فرزندان و والدین اوست و بخش دوم سؤالات به همسر خانوار و والدین او اختصاص دارد. سؤالات این پرسشنامه صرفاً جهت شناخت ویژگیهای افراد خانوار طرح نشده بلکه در بطن خود در پی آگاهی از چگونگی روابط زیستی و فرهنگی خانواده و خویشاوندان نسبی و سببی است که این روابط از ترکیبات نهایی بسیاری از پارامترهای فرهنگی در سؤالات حاصل می‌شود.

خصوصیات فردی پاسخگویان

در این بخش مشخصه‌های فردی پاسخگویان از جمله سن، جنس، محل تولد، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، وضعیت شغلی، اصلیت و زبان مادری، اصلیت پدری و مادری پاسخگویان، نسبت خویشاوندی پدر و مادر پاسخگویان، نقص عضو در خویشاوندان پاسخگویان و علت فوت فرزندان در خانوارهای مورد بررسی، مطالعه شده است که نتایج به دست آمده از مطالعه برخی از این خصوصیات به عنوان نمونه ذکر می‌شود.

سن : مطالعه سن افراد مورد بررسی نشان می‌دهد که جوانترین رییس خانوار (مرد) ۲۴ ساله و مسن‌ترین آنها ۷۶ ساله بوده است. سرپرستان خانوارهای مورد بررسی به طور متوسط ۴۸/۵ سال سن داشته‌اند. همسران سرپرستان خانوارهای مورد بررسی به طور متوسط ۴۲/۸ ساله بوده‌اند. ساختمان سنی همسران جوانتر از ساختمان سنی مردان یا رؤسای خانوارهای مورد بررسی است (جدولهای شماره ۲ و ۳).

جدول شماره ۰۲ توزیع سنی سرپرست خانوارهای مورد بررسی

گروه سنی	تعداد	توزیع نسبی (درصد)	توزیع نسبی تجمعی
کمتر از ۳۰ سال	۸	۷/۸	۷/۸
۳۰-۳۴	۱۲	۱۱/۷	۱۹/۵
۳۵-۳۹	۸	۷/۸	۲۷/۳
۴۰-۴۴	۱۱	۱۰/۷	۳۸/۰
۴۵-۴۹	۵	۴/۸	۴۲/۸
۵۰-۵۴	۱۱	۱۰/۷	۵۳/۵
۵۵-۵۹	۲۰	۱۹/۴	۷۲/۹
۶۰-۶۴	۱۶	۱۵/۵	۸۸/۴
۶۵ ساله و بیشتر	۱۰	۹/۷	۹۸/۱
اظهار نشده	۲	۱/۹	۱۰۰/۰
جمع	۱۰۳	۱۰۰/۰	
میانگین سنی ۴۸/۵ سال			حداقل سن ۲۴ سال
میانه سنی ۵۱/۰ سال			حداکثر سن ۷۶ سال

جدول شماره ۰۳ توزیع سنی همسر سرپرست (زنان) خانوارهای مورد بررسی

گروه سنی	تعداد	توزیع نسبی (درصد)	توزیع نسبی تجمعی
کمتر از ۳۰ سال	۱۴	۱۳/۶	۱۳/۶
۳۰-۳۴	۱۰	۹/۷	۲۳/۳
۳۵-۳۹	۲۱	۲۰/۴	۴۳/۷
۴۰-۴۴	۱۲	۱۱/۷	۵۵/۴
۴۵-۴۹	۱۴	۱۳/۶	۶۹/۰
۵۰-۵۴	۹	۸/۷	۷۷/۷
۵۵-۵۹	۶	۵/۸	۸۳/۵
۶۰-۶۴	۱۰	۹/۷	۹۳/۲
۶۵ ساله و بیشتر	۵	۴/۹	۹۸/۱
اظهار نشده	۲	۱/۹	۱۰۰/۰
جمع	۱۰۳	۱۰۰/۰	
میانگین سنی ۴۲/۸ سال		حداقل سن ۲۱ سال	
میانه سنی ۴۱ سال		حداکثر سن ۷۳ سال	

وضعیت تأهل (ازدواج): ازدواج عملی است که پیوند دو جنس مخالف را بر پایه روابط پایای جنسی، موجب می‌شود... کلودلوی - اشتروس^۱ معتقد است که ازدواج برخوردی است دراماتیک بین فرهنگ و طبیعت یا میان قواعد اجتماعی و کشش جنسی (ساروخانی ۱۳۷۵، ص ۲۳). در منطقه مورد بررسی این پژوهش، تمام افرادی که تحت عنوان سرپرست خانوار و یا همسر سرپرست خانوار مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، در زمان بررسی ازدواج کرده و دارای همسر بوده‌اند. مطابق بررسیها ۸۵/۴ درصد مردان و ۸۷/۴ درصد از زنان تنها یک بار ازدواج کرده‌اند و حدود ۱۴ درصد از مردان دو بار یا بیشتر و کمی بیش از ۱۱ درصد زنان دوبار ازدواج کرده‌اند و متوسط سن ازدواج بار اول برای مردان ۲۰/۲ سال و برای زنان ۱۴ سال است. میانه سن ازدواج برای مردان و زنان به ترتیب ۱۹/۵ و ۱۳/۴ سال بوده است (جدولهای شماره ۴ و ۵).

جدول شماره ۰۴ سن ازدواج پاسخگو (سرپرست خانوار) در ازدواج اول

سن در هنگام ازدواج بار اول	تعداد	توزیع نسبی (درصد)	توزیع نسبی تجمعی
۱۵ سال و کمتر	۱۲	۱۱/۷	۱۱/۷
۱۶ تا ۱۸	۲۳	۲۲/۳	۳۴/۰
۱۹ تا ۲۱ سال	۲۵	۲۴/۳	۵۸/۳
۲۲ تا ۲۴ سال	۲۶	۲۵/۲	۸۳/۵
۲۵ سال	۱۴	۱۳/۶	۹۷/۱
اظهار نشده	۳	۲/۹	۱۰۰/۰
جمع	۱۰۳	۱۰۰/۰	

میانگین سن ازدواج بار اول = ۲۰/۲ حداقل مشاهده شده برای سن ازدواج بار اول = ۱۱
میانه سن ازدواج بار اول = ۱۹/۵ حداکثر مشاهده شده برای سن ازدواج بار اول = ۲۵

جدول شماره ۰۵ سن ازدواج پاسخگو (همسر سرپرست خانوار) در ازدواج اول

سن در هنگام ازدواج بار اول	تعداد	توزیع نسبی (درصد)	توزیع نسبی تجمعی
۱۰ سال و کمتر	۱۱	۱۰/۷	۱۰/۷
۱۱ تا ۱۴ سال	۵۱	۴۹/۵	۶۰/۲
۱۵ تا ۱۹ سال	۳۱	۳۰/۱	۹۰/۳
۲۰ سال و بیشتر	۴	۳/۹	۹۴/۲
اظهار نشده	۶	۵/۸	۱۰۰/۰
جمع	۱۰۳	۱۰۰/۰	

میانگین سن ازدواج بار اول = ۱۴ حداقل مشاهده شده برای سن ازدواج بار اول = ۹
میانه سن ازدواج بار اول = ۱۳/۴ حداکثر مشاهده شده برای سن ازدواج بار اول = ۳۰

وضعیت شغلی : نتایج مطالعه وضعیت شغلی سرپرستان خانوارهای مورد بررسی نشان می‌دهد که غالب آنها کشاورز و دامدارند و یا یکی از دو شغل آنها کشاورزی و دامداری است و همسرانشان نیز غالباً خانه‌دار هستند. به عبارت دیگر بیش از ۶۵ درصد از رؤسای خانوارها کشاورز - دامدارند و یا یکی از دو شغل آنها کشاورزی است و بیش از ۹۰ درصد از همسران آنها خانه‌دارند یا درکنار خانه‌داری به مشاغل دیگر می‌پردازند.

اصلیت : جدول مربوط به ویژگیهای اصلیت نشان می‌دهد که اصلیت ترک و لر در میان پاسخگویان سهمی اساسی دارد. حال آنکه اصلیت فارس در بین آنها سهم بسیار ناچیزی را تشکیل می‌دهد. بر پایه اظهارات پاسخگویان اصلیت حدود نیمی از رؤسای خانوارها لر و اصلیت نیمی دیگر ترک است و حدود ۳۷ درصد از همسران رؤسای خانوارها دارای اصلیت لر و ۵۵ درصد دارای اصلیت ترک بوده و ۵/۸ درصد آنان نیز خود را فارس معرفی کرده‌اند.

جدول شماره ۰۶ توزیع رؤسای خانوارهای مورد بررسی و همسرانشان برحسب اصلیت

خود، پدر، مادر، پدربزرگ و مادربزرگ

اصلیت	پاسخگویان زن (همسر رؤسای خانوار)						پاسخگویان مرد (رؤسای خانوار)						اصلیت		
	مادر بزرگ		پدر بزرگ		مادر	پدر	اصلیت خود فرد	مادر بزرگ		پدر بزرگ		مادر		پدر	اصلیت خود فرد
	مادری	پدری	مادری	پدری				مادری	پدری	مادری	پدری				
لر	۳۹/۸	۴۰/۸	۳۸/۸	۳۸/۸	۳۸/۸	۳۹/۸	۳۶/۹	۴۵/۶	۵۲/۴	۴۶/۶	۵۱/۵	۴۳/۷	۵۰/۵	۵۰/۵	
ترک	۴۷/۶	۴۸/۵	۵۴/۴	۵۱/۵	۵۵/۳	۵۳/۴	۵۵/۳	۴۹/۵	۴۴/۷	۴۹/۵	۴۵/۶	۵۴/۴	۴۸/۵	۴۸/۵	
فارس	۷/۸	۶/۸	۳/۹	۶/۸	۴/۹	۵/۸	۵/۸	۱/۹	۲/۹	۱/۹	۲/۹	۱/۹	۱/۰	۱/۵	
اظهار نشده	۴/۸	۳/۹	۲/۹	۲/۹	۱/۰	۱/۰	۲/۰	۳/۰	-	۲/۰	-	-	-	-	
جمع	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

زبان مادری : مطالعه زبان به عنوان نهادی اجتماعی (مدرسی ۱۳۶۸، صص ۲-۱) از اهمیتی خاص برخوردار است. در خصوص زبان مادری، توزیع پاسخگویان برحسب زبان پدری و مادری دقیقاً مشابه توزیع اصلیت آنهاست. لیکن وجود تداخل فرهنگی و تا حدودی اشتباه

پاسخگویان در تشخیص اصلیت خود با توجه به تداخل مذکور، سبب بروز تفاوت (گرچه اندک) بین دو توزیع اصلیت و زبان مادری شده است. مقایسه توزیع اصلیت و زبان مادری و پدری پاسخگویان نشانگر انطباق بیشتر زبان مادری و پدری همسران (زنان) با اصلیت اظهار شده آنان نسبت به سرپرست خانوارها (مردان) است. در هر حال از این نقطه نظر باز هم زبان ترکی و لری زبان غالب مادری و پدری پاسخگویان است و با مقایسه زبانها ملاحظه می شود که نسبت زبان لری به عنوان زبان پدری پاسخگویان تا حدودی بیشتر از این نسبت برای زبان مادری است. همچنین سهم زبان فارسی در زبان پدری و مادری پاسخگویان زن (همسران) بیشتر از نسبت مذکور برای زبان مادری و پدری مردان (رؤسای خانوار) است (جدول شماره ۷).

جدول شماره ۷. توزیع پاسخگویان برحسب زبان مادری و پدری و به تفکیک جنس

زبان		زبان مادری				زبان پدری			
		پاسخگویان مرد		پاسخگویان زن		پاسخگویان مرد		پاسخگویان زن	
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۴۴	۴۲/۷	۳۹	۳۷/۹	۵۴	۵۲/۴	۴۱	۳۹/۸		
۵۵	۵۳/۴	۵۸	۵۶/۳	۴۸	۴۶/۶	۵۵	۵۳/۴		
۴	۳/۹	۵	۴/۹	۱	۱/۰	۶	۵/۸		
-	-	۱	۰/۹	-	-	۱	۱/۰		
۱۰۳	۱۰۰/۰	۱۰۳	۱۰۰/۰	۱۰۳	۱۰۰/۰	۱۰۳	۱۰۰/۰		

نسبت خویشاوندی پدر و مادر پاسخگویان: پیوند زناشویی اساساً دارای خاستگاه فرهنگی است و عوامل همسرگزینی بر پایه های قومی فرهنگی - اجتماعی استوارند (عسکری خانقاه و کمالی ۱۳۶۴، ص ۳۳). پیوند زناشویی پل پیوند خصوصیات فرهنگی و انسان سنجی به شمار می آید. جدول شماره ۸ بیانگر اطلاعاتی در مورد مناسبت بین پدر پاسخگو با همسر اول و مادر پاسخگو با همسر اول است. بر اساس این جدول تقریباً در تمامی موارد نسبت قابل توجهی از والدین پاسخگویان با همسر اول خود رابطه خویشاوندی نداشته اند. برای پاسخگویان مرد

(رؤسای خانوار)، کمی بیش از $\frac{1}{5}$ پاسخگویان اظهار داشته‌اند که بین آنها و همسر اولشان نسبت خویشاوندی وجود داشته و سهم فرزندان فامیل درجه ۲ (شامل عمو، عمه، دایی و خاله) در بین سایر موارد بیشتر است. نزدیک به ۳۰ درصد از پاسخگویان زن (همسر رؤسای خانوار) اظهار داشته‌اند که مادرشان با همسر خود دارای قرابت خویشاوندی بوده است (جدول شماره ۸).

جدول شماره ۰۸. توزیع رؤسای خانوارهای مورد بررسی و همسرانشان برحسب نسبت

خویشاوندی والدین آنها

نسبت بین پدر و مادر		پاسخگویان مرد (رؤسای خانوار)		پاسخگویان زن (همسر رؤسای خانوار)	
	پدر	مادر	پدر	مادر	
غیر خویشاوندی	۷۶/۷	۹۰/۳	۲۵/۲	۶۶/۰	
فرزند فامیل درجه ۲	۱۴/۶	۴/۹	۱۳/۶	۲۳/۳	
نوه فامیل درجه ۲	۱/۰	-	۱/۰	۱/۹	
سایر خویشاوندان	۷/۸	۲/۹	۲/۹	۴/۹	
اظهار نشده	-	۱/۹	۵۷/۳	۳/۹	
جمع	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

سخنی در باب پیشینه انسان سنجی

پیش از ورود به بحث مشخصه‌های انسان سنجی اعضای خانوارهای مورد بررسی در روستاهای بخش چادگان، شایسته است به بیان مقدمه‌ای در خصوص پیشینه تاریخی انسان سنجی بپردازیم. نخستین نوشته‌های علمی موجود در انسان‌شناسی جسمانی (زیستی)، شرح و طبقه‌بندی انسانها از "یوهان فردریش بلومباخ"^۱ (۱۷۵۲-۱۸۴۰) است که به پدر انسان‌شناسی جسمانی معروف است. او با توجه به شکل مجمله یعنی "مربع"، "دراز" و "به هم فشرده"، انسان را به پنج نژاد تقسیم کرد. در اوایل قرن نوزدهم طبقه‌بندی علمی حیوانات و تشریح مقایسه‌ای باعث پیدایش روشهایی خاص در انسان‌شناسی جسمانی شد و از آن هنگام

1 . Johann Friedrich Blumenbach

کاربرد اندازه‌گیریهای مختلف بدنی آغاز گردید (عسکری خانقاه و کمالی ۱۳۷۲، ص ۳۹۸). انسان سنجی علمی از بلومنباخ شروع شد. "بروکا"^۱، "فلاور"^۲ و "ترنر"^۳ مطالعه سر را که بلومنباخ شروع کرده بود، توسعه دادند. بروکا در مقاله‌ای پیرامون استخوان‌شناسی و اندازه‌گیریهای مختلف به روش جمع‌آوری داده‌ها و چگونگی اندازه‌گیریهای مختلف اشاره کرد. او همچنین به تعریف اندازه‌گیریها و نقاط مهم استخوان و وسایل اندازه‌گیری آنها پرداخت. روشهای بروکا تا سال ۱۸۷۰ مورد استفاده بود (عسکری خانقاه و کمالی، همان، ص ۳۹۹). "ایهرینگ"^۴، "کلمن"^۵، "رانک"^۶، "ویرشو"^۷، "برتیلون"^۸ و "پل توپینارد"^۹ نیز کوششهایی در زمینه اندازه‌گیری کردند.

ایجاد تغییرات در روشهای اندازه‌گیری از سوی پژوهشگران کشورهای مختلف و بروز اختلال و سردرگمی در این زمینه، موجب شد تا پژوهشگران و انسان‌شناسان نیاز به یک توافق بین‌المللی را در خصوص اندازه‌گیری احساس کنند. از این رو، در سال ۱۸۹۲ در هفتمین کنگره بین‌المللی انسان‌شناسی پیش از تاریخ و باستان‌شناسی در مسکو، کمیته‌ای مرکب از ۷ انسان‌شناس برای همگون کردن تکنیکهای اندازه‌گیریهای مختلف سر و بدن انسان به وجود آمد. در هشتمین "کنگره بین‌المللی انسان‌شناسی پیش از تاریخ و باستان‌شناسی" در "موناکو" ۱۹۰۶، طرح توافق بین‌المللی در اندازه‌گیریهای مختلف سرتهیه و کارهمگون کردن تکنیکهای انسان‌سنجی را "گارسون"^{۱۰} و "رید"^{۱۱} زیر نظر "مؤسسه پیشرفت علوم انگلستان" دنبال کردند. همچنین کنگره آلمان در سال ۱۹۱۲ با توافق بین‌المللی اندازه‌گیریهای افراد زنده موافقت کرد. این دو توافق برای تمام کسانی که در این رشته کار می‌کردند، اهمیت ویژه‌ای یافت و به بی‌نظمی و هرج و مرج در اندازه‌گیریهای مختلف خاتمه داد (عسکری خانقاه و کمالی، همان، صص ۳۹۹-۴۰۰).

1 . Broca

2 . Flower

3 . Turner

4 . Ihering

5 . Kollmann

6 . Ranke

7 . Virchow

8 . Bertillon

9 . Paul Topinard

10 . Garson

11 . Reed

"رودلف مارتین"^۱ نخستین کتاب کامل انسان‌شناسی را در زمینه اندازه‌گیری تألیف کرد. او در سال ۱۹۱۴ بیش از ۱۰۰ اندازه‌گیری انسان زنده و تقریباً در همین حدود اندازه‌گیری اسکلت را تعریف و مشخص کرد.

در ششمین "کنگره بین‌المللی انسان‌شناسی و مردم‌شناسی" در پاریس ۱۹۶۰، تصمیم گرفته شد که یک کمیته هماهنگی برای همگون کردن اندازه‌گیریهای مختلف ایجاد شود. این کمیته با توجه به کتابهای موجود در سراسر جهان در این زمینه، پیشنهادهای خود را ارائه داد، که مورد توجه انسان‌شناسان در سراسر جهان قرار گرفت. این نتایج را در کتاب "انسان سنجی"، در سال ۱۹۶۸، "سینگ"^۲ و "باسین"^۳ خلاصه کرده‌اند (عسکری خانقاه و کمالی، همان، صص ۴۰۱-۴۰۲).

مشخصه‌های انسان سنجی* (آنتروپومتری) اعضا و خانوارهای مورد بررسی در روستاهای چادگان

به منظور بررسی مشخصه‌های انسان سنجی در روستاهای مورد مطالعه، برخی مسائل مهم و مفروضات برای تحقیق بر این اساس مطرح بود که: اختلاط و امتزاج بین دو گروه ترک و لر فراگیر نشده است و به سادگی می‌توان خانواده‌هایی از دو گروه یافت که ازدواج درون‌گروهی را ترجیح می‌دهند. با این وصف، آمیختگی فرهنگی امری اجتناب‌ناپذیر شده است و خانوارهای مختلط "ترک و لر" در اشاعه آن نقش مهمی ایفا می‌کنند.

در اینجا حداقل سه گروه انسانی یکجا در دسترس قرار دارند، که همراه با تداخلهای خویشاوندی، آمیختگیهای فرهنگی نیز قابل مشاهده است. این نکته می‌تواند از دیدگاه مردم‌شناسی و انسان‌شناسی حایز اهمیت بسیار باشد. زیرا در چنین شرایطی آمیختگی طوایف سبب می‌شود تا بتوانیم تداخل فرهنگی - زیستی گروههای انسانی را در کنار هم و همزمان مطالعه و تغییرات و تحولات ناشی از آن را دریابیم.

1 . Rudolf Martin

2 . Singh

3 . Bhasin

*در خصوص انجام تحقیقات انسان سنجی و اندازه‌گیری بدن انسان در ایران می‌توان به مطالعات هنری فیلد در خصوص ۲۹۹ نفر ایرانی اشاره

کرد (ر.ک به: فیلد، هنری، مردم‌شناسی ایران، ترجمه عبدالله فریار).

طبق فرضیه می‌خواهیم ببینیم که تحولات فرهنگی چه رابطه‌ای با تحولات جسمانی دارند. آیا می‌توان بیان داشت که در چنین مواردی گرایشهای فرهنگی در ارتباط با گرایشهای ژنتیکی و جسمانی است؟

به منظور انسان‌سنجی گروههای ساکن در روستاهای چادگان، پس از هماهنگی لازم و انجام تمرینهای مستمر برای یکسان ساختن روش گردآوری و طرق کاربرد ابزار* به روشهای معمول و استاندارد، با توجه به موقعیتهای فرهنگی - اجتماعی منطقه مذکور، ۱۸ مورد مقیاس برای تثبیت مشخصات جسمانی افراد در خانوارهای نمونه به شرح زیر انتخاب شد:

۱. مقیاس طول سر (S.L.) ۲. مقیاس عرض سر (S.B.) ۳. مقیاس ارتفاع سر (S.H.)
۴. مقیاس ارتفاع بینی (N.H.) ۵. مقیاس ارتفاع فوق صورت (U.F.H.) ۶. ارتفاع مرفولوژیکال صورت (M.F.H.) ۷. مقیاس عرض پیشانی (F.B.) ۸. مقیاس بین چشمها (I.E.) ۹. مقیاس نقاط بیرونی چشمها (E.E.) ۱۰. مقیاس عرض گونه (B.B.) ۱۱. مقیاس عرض بینی (N.B.)
۱۲. مقیاس عرض لب (L.B.) ۱۳. مقیاس ارتفاع لب (L.H.) ۱۴. مقیاس زوایای فک (B.W.)
۱۵. مقیاس طول گوش (E.H.) ۱۶. مقیاس عرض گوش (E.B.) ۱۷. مقیاس قد ایستاده (ST.)
۱۸. مقیاس وزن (W.E.)**

با توجه به ۱۸ مورد مقیاس انسان‌سنجی، ۱۱ شاخص مهم محاسبه شده است که عبارتند از: ۱. شاخص عرض سر به طول سر (C.I.) ۲. شاخص ارتفاع سر به طول سر (HL.I.) ۳. شاخص ارتفاع سر به عرض سر (HB.I.) شاخص عرض بینی به ارتفاع بینی (NA.I.) ۵. شاخص ارتفاع فوق صورت به عرض گونه (UPF.I.) ۶. شاخص ارتفاع مرفولوژیکال صورت به عرض گونه (M.I.) ۷. شاخص عرض پیشانی به عرض گونه (FR.I.) ۸. شاخص فاصله دو زاویه فک به عرض گونه (BI.I.) ۹. شاخص ارتفاع لب به عرض لب (LA.I.) ۱۰. شاخص عرض گوش به طول گوش (E.I.) ۱۱. شاخص وزن به قد (ST.I.) .

پس از محاسبه شاخصهای فوق برای افراد نمونه، تمامی مقیاسها و شاخصها با توجه به چهار گروه پدران، مادران، فرزندان پسر و فرزندان دختر در کل نمونه‌ها تفکیک و برای هر گروه از آنان محاسبات میانگین، میانه، نما، انحراف معیار، خطای استاندارد و دامنه تغییرات و سایر محاسبات ضروری انجام شد. در مرحله دیگر، تمامی مقیاسها و شاخصهای هر یک از سه گروه

*. ابزار و لوازم انسان‌شناسی برای اندازه‌گیری خصوصیات جسمانی از بهترین و جدیدترین ابزار مورد استفاده در کشور سوئیس انتخاب شده بود.

** برای آشنایی با ابزار و نحوه اندازه‌گیری ر.ک به: عسکری خانقاه، اصغر و محمد شریف کمالی: مقدمه بر انسان‌شناسی زیستی، جلد دوم.

ترک، لُر و ترک - لر به تفکیک پدران، مادران، فرزندان پسر و فرزندان دختر تنظیم و برای تمام موارد تفکیکی، به همان ترتیب، محاسبات لازم انجام شد.

اصلیتها و ترکیبهای آمیزشی ممکن

با بررسی اصلیتها و همچنین مطالعه خانوارها از نظر آمیزشها و ازدواجهای غیر خویشاوندی، مشخص شد که از سه گروه ترک، لُر و فارس در منطقه چادگان، ۱۲ ترکیب آمیزشی قابل مشاهده است: ۱. گروه ترک (۳۳ نفر مرد، ۴۲ نفر زن) ۲. گروه لُر (۲۴ نفر مرد، ۲۲ نفر زن) ۳. گروه فارس (۲ مورد که از شهر به روستا مهاجرت کرده است) ۴. گروه نامشخص (۴ مورد که در آن اصلیت و وابستگی گروهی اظهار نشده است) ۵. گروه ترک و لُر (۸ نفر مرد، ۶۶ نفر زن) ۶. گروه ترک و فارس (۴ مورد) ۷. گروه لُر و فارس (۱۲ مورد) ۸. گروه فارس و نامشخص (۴ مورد) ۹. گروه ترک و نامشخص (۴ مورد) ۱۰. گروه ترک، لُر و فارس (۱۲ مورد) ۱۱. گروه ترک، لُر و نامشخص (۴ مورد) ۱۲. گروه لُر و نامشخص (۸ مورد).

هم از این رو مشخص شد که در بررسی انواع تداخل فقط می توان در خصوص گروههای خالص ترک (گروه ۱) و گروههای خالص لُر (گروه ۲) و گروههای ترکیبی ترک - لُر (گروه ۵) مطالعه کرد. زیرا سایر گروههای با تعداد نمونه های اندکی که در منطقه مذکور از آنها به دست آمده قابلیت پژوهش نداشتند. بنابراین گروههای ترکیبی با گروه فارس و گروههایی که موارد نامشخص در آنها وجود داشت تفکیک و از مرحله طبقه بندی خارج شدند. جمع کل نمونه ها بر اساس افرادی که انسان سنجی شده اند ۳۲۲ نفر است که از این تعداد ۱۵۹ نفر مرد و ۱۶۳ نفر زن بودند. برخی نتایج به دست آمده از بررسی شاخصهای انسان سنجی در روستاهای مورد مطالعه، نشان می دهد:

- طول سر زنان در نتیجه تداخلهای گروهی روبه کاهش می رود. میانگین طول سر در مردان گرایش گروه ترکیبی "ترک - لُر" را به گروه ترک نشان می دهد.
- شاخص ارتفاع سر بر عرض سر مردان در گروه ترکیبی، گرایش به گروه ترک دارد. این شاخص در زنان افت قابل توجهی دارد که سیر نزولی آن را می توان با افزایش عرض سر و تناسب معکوس آن با این شاخص توجیه کرد.
- محاسبات مربوطه به شاخص ارتفاع فوق صورت نشانگر تمایل مردان و زنان در گروه ترکیبی به گروه لُر است.

- در محاسبات مربوط به قد ایستاده، گرایش مردان در گروه ترکیبی به گروه ترک روشن است. ولی وارثت لرها در آنها بی تأثیر نبوده است. تأثیر پذیری مقیاس قد لرها در زنان گروه ترکیبی بیش از حد انتظار است.

- وزن زنان و مردان در گروه ترکیبی با تفاوت بسیار کم گرایش به گروه لُر دارد.
- به عنوان یک نتیجه کلی، تمام مقیاسها، شاخصها و رده بندیهای مربوط به گروهها درباره جنسیت، تفاوت قابل ملاحظه‌ای را بین خود نشان می‌دهند.*
با توجه به موارد فوق و سایر موارد و محاسبات مربوط به آنها، گرایش گروه ترکیبی "ترک - لُر" به گروههای خالص را می‌توان در جدول شماره ۹ خلاصه کرد:

جدول شماره ۹. گرایش گروه ترکیبی «ترک - لُر» به گروههای خالص

گروه ترک - لُر	درصد گرایش به گروه ترک	درصد گرایش به گروه لُر	حد واسط دوگروه خالص	درصد افزایش	درصد کاهش
مردان	۴۴/۸	۳۷/۹	۱۰/۳	۳/۵	۳/۵
زنان	۴۱/۵	۲۷/۶	۲۴/۱	۳/۴	۳/۴

بنابراین، گروه ترکیبی "ترک - لُر" از نظر کسب وراثتهای جسمانی تمایل زیادی به گروه خالص ترک دارد و از نظر مرفولوژی نیز این نکته در بسیاری از موارد قابل تشخیص است. تفاوتی که گروه ترکیبی در گرایش به دو گروه خالص نشان می‌دهد، جای هیچ گونه شک و شبهه در نتیجه گیری و تأیید گرایشها باقی نمی‌گذارد.

بررسی گرایشهای فرهنگی در گروههای ترکیبی

نکته دیگری که در این طرح مورد توجه قرار گرفته، گرایشهای فرهنگی است، عوامل بسیاری در گرایشهای فرهنگی دخالت دارد که با توجه به آنها می‌توان مسائل فرهنگی - زیستی گروههای انسانی را در یک حوزه فرهنگی مورد بررسی و مطالعه قرار داد. آداب و رسوم، باورها و اعتقادات، پوشاک، دین و مذهب از جمله عوامل مؤثر در گرایشهای فرهنگی به شمار می‌آیند.

*. برای جلوگیری از اطالة کلام از ذکر تمامی نتایج، که خود بخشی مفصل را می‌طلبد، خودداری شده است.

گرایشهای فرهنگی برخلاف گرایشهای جسمانی که وراثتی است با توجه به عوامل مؤثر قابل شناسایی و تجزیه و تحلیل است.

در گروههایی که بین آنها تفاوت زبانی وجود دارد انتخاب زبان به عنوان رابط فرهنگی مهمترین عامل در گرایشهای فرهنگی محسوب می شود.

در این پژوهش عامل زبان در گرایشهای فرهنگی پراهمیت تلقی شده و با توجه به مشاهدات و پرسشها، پرسشهای مربوط به زبان با اصلیت تصویری و اصلیت حقیقی افراد مورد مطابقت قرار گرفته است.

جدول شماره ۱۰. تعداد افراد مورد مطالعه و اصلیت تصویری آنها به تفکیک جنسیت در گروهها

گروه ترک - لُر		گروه لُر		گروه ترک		اصلیت شما چیست؟
زنان	%	مردان	%	زنان	مردان	
۱۹	۵۷/۶	۲۳	۵۴/۸	-	-	خود را ترک می دانند!
۱۴	۴۲/۴	۱۹	۴۵/۲	۱۸	۲۹	خود را لُر می دانند!
-	-	-	-	-	-	خود را دورگه می دانند!
۳۳	۱۰۰	۴۲	۱۰۰	۱۸	۲۹	جمع

با توجه به جدول فوق، اظهارات مردان و زنان در دو گروه ترک و لُر با اصلیت واقعی آنها تطبیق می کند و این امری طبیعی است. ولی در گروه ترکیبی "ترک - لُر"، که دو رگه نیز نامیده می شوند، نتایج متفاوت است. در هر صورت مردان و زنان در این گروه هماهنگی دارند، به نحوی که در یک نگاه اجمالی گرایش آنها به گروه ترک مشاهده می شود. اما باید دید که چه عواملی در این گرایش مؤثر است؟

بنابراین دو سؤال زبان مادری و زبان پدری شما چیست؟ مطرح می شود (جدول

شماره ۱۱).

جدول شماره ۱۱. زبان والدین به تفکیک جنسیت در گروه ترکیبی

زنان در گروه ترکیبی				مردان در گروه ترکیبی				زبان والدین
زبان مادری	زبان پدری	%	%	زبان مادری	زبان پدری	%	%	
ترکی	۲۶	۶۱/۹	۲۰	۴۷/۶	۱۸	۵۴/۵	۱۷	۵۱/۵
لُری	۱۶	۳۸/۱	۲۲	۵۲/۴	۱۵	۴۵/۵	۱۶	۴۸/۵
جمع	۴۲	۱۰۰	۴۲	۱۰۰	۳۳	۱۰۰	۳۳	۱۰۰

در مقایسه جدولهای ۱۰ و ۱۱ هیچ گونه هماهنگی مشاهده نمی‌شود. ولی در همین پرسش، بار دیگر اصلیت تصویری افراد مطرح می‌شود و جدول شماره ۱۲ و ۱۳ برای مردان و زنان شکل می‌گیرد.

جدول شماره ۱۲. زبان مادری و پدری مردان در گروه ترکیبی به تفکیک اصلیت تصویری

زبان پدری				زبان مادری				اصلیت شما چیست؟
زبان مادری	زبان پدری	%	%	زبان مادری	زبان پدری	%	%	
ترکی	۱۳	۵۰	۱۰	۶۲/۵	۱۹	۹۵	۴	۱۸/۲
خود را لُری می‌دانند!	۱۳	۵۰	۶	۳۷/۵	۱	۵	۱۸	۸۱/۸
جمع	۲۶	۱۰۰	۱۶	۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۲۲	۱۰۰

در مقایسه جدولهای ۱۱ و ۱۲ چنین مشاهده می‌شود که از ۴۲ نفر مرد در گروه ترکیبی، زبان مادری ۲۶ نفر ترکی و زبان مادری ۱۶ نفر لُری است. از ۲۶ نفر اول ۱۳ نفر خود را ترک و ۱۳ نفر خود را لُری می‌دانند. بنابراین، گرایش آنها مشخص نیست. ولی در گروه ۱۶ نفر که زبان مادری آنها لُری است مشاهده می‌شود که ۱۰ نفر خود را ترک می‌دانند، در حالی که ظاهراً می‌باید گرایش به گروه لُری باشد. با مراجعه به زبان پدری در جدول شماره ۱۰ می‌بینیم که از ۴۲ نفر مرد در گروه ترکیبی ۲۰ نفر زبان پدریشان لُری است. این گروه ۲۰ نفری در جدول شماره ۱۱ گرایش به گروه ترک دارند و گروه ۲۲ نفری نیز گرایش خود را به گروه ترک ثابت می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت گرایش زبانی در ارتباط با زبان پدری است.

جدول شماره ۰۱۳ زبان پدری و مادری زنان در گروه ترکیبی به تفکیک اصلیت تصویری

زبان پدری				زبان مادری				اصلیت شما چیست؟
٪	لری	٪	ترکی	٪	لری	٪	ترکی	
۱۲/۵	۲	۱۰۰	۱۷	۷۳/۳	۱۱	۴۴/۴	۸	خود را ترک می دانید!
۸۷/۵	۱۴	-	-	۲۶/۷	۴	۵۵/۶	۱۰	خود را لری می دانید!
۱۰۰	۱۶	۱۰۰	۱۷	۱۰۰	۱۵	۱۰۰	۱۸	جمع

آنچه در مقایسه جدولهای شماره ۱۰ و ۱۱ بیان شد، نتایج حاصل از گروه ترکیبی مردان بود در مقایسه جدولهای شماره ۱۰ و ۱۳ به همین ترتیب می توان زنان را در گروه ترکیبی با یکدیگر مقایسه کرد و همان نتایج را به دست آورد.

در نهایت پس از پرسشهایی در خصوص زبان و اصلیت، پاسخگویان به این پرسش که با زن و فرزندان خود با چه زبانی صحبت می کنند، پاسخ می دهند که نتیجه آن در جدول شماره ۱۴ مشاهده می شود.

جدول شماره ۰۱۴ در منزل با همسر و فرزندان به چه زبانی صحبت می کنید؟

جمع	زبان پدری				زبان مادری				اصلیت شما چیست؟
	٪	لری	٪	ترکی	٪	لری	٪	ترکی	
۲۳	۱۳/۱	۳	۸۶/۹	۲۰	۲۶/۱	۶	۷۳/۹	۱۷	خود را ترک می دانند!
۱۹	۴۲/۱	۸	۵۷/۹	۱۱	۵۷/۹	۱۱	۴۲/۱	۸	خود را لری می دانند!
۴۲	۲۶/۲	۱۱	۷۳/۸	۳۱	۴۰/۵	۱۷	۵۹/۵	۲۵	جمع

آنهايي که خود را ترک می دانند معمولاً با همسران و فرزندان ترکی صحبت می کنند ولی در موارد استثنایی، در صورتی که همسر به زبان شوهر علاقه نشان ندهد به زبان لری صحبت می شود. البته این نسبت در مقابل فرزندان درصد کمتری دارد. در اینجا استقبال فرزندان از زبان پدر نیز روشن است.

۲۳ نفر از مردان در گروه ترکیبی که خود را ترک می دانند، اکثریت در مورد زبان محاوره در خانواده نظر خود را تحمیل کرده اند. نکته جالب توجه این است که، مردانی که خود را لری

می‌دانند، اکثریت در خانواده با فرزندان خود ترکی صحبت می‌کنند (۵۷/۹ درصد) ولی در مقابل با همسران خود مکالمه با زبان لُری را ترجیح می‌دهند (۵۷/۹ درصد). در بررسیهای انجام گرفته معلوم شده است که این گرایش معمولاً تحت تأثیر زبان مادری پدر قرار می‌گیرد.

گرایش پدر به گروه لُری و گرایش خانواده، خصوصاً فرزندان، به زبان و فرهنگ ترک از نکاتی است که ما را در اثبات گرایشهای فرهنگی به گروه ترک یاری می‌دهد. با توجه به اصلیت حقیقی گروه "ترک - لُری" و گرایشهای زبانی در این گروه که آن را به عنوان یک عامل فرهنگی مورد بررسی قرار داده‌ایم، گرایشهای فرهنگی این گروه از خانواده‌ها به فرهنگ ترک کاملاً مشهود است.

اکنون بنابر نتایجی که از بررسیهای انسان‌سنجی و تحلیل پرسشهای مربوط به زبان در خانواده و تحلیل اصلیت‌های تصویری و حقیقی به دست آورده‌ایم، می‌توان چنین بیان داشت که گرایشهای فرهنگی گروه‌های ترکیبی در ارتباط مستقیم با گرایشهای جسمانی است؛ به طوری که تغییرات و تحولات ناشی از آنها به طور همسو و هماهنگ صورت می‌پذیرد و به عبارت دیگر گرایشهای فرهنگی (حداقل در این حوزه فرهنگی مورد مطالعه) نمی‌تواند جدا از گرایشهای جسمانی باشد.

مآخذ

- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، انتشارات سروش، چاپ دوم، تهران.
- سازمان جغرافیای کشور (۱۳۵۵)، فرهنگ جغرافیایی ایران (آبادیها)، جلد ۱۰، تهران.
- عسکری خانقاه، اصغر و محمد شریف کمالی (۱۳۶۴)، مقدمه بر انسان‌شناسی زیستی، جلد اول، انتشارات توس، چاپ اول، تهران.
- عسکری خانقاه، اصغر و محمد شریف کمالی (۱۳۷۲)، مقدمه‌ای بر انسان‌شناسی زیستی، جلد دوم، انتشارات توس، چاپ اول، تهران.
- فیلد، هنری (۱۳۴۳)، مردم‌شناسی ایران، ترجمه عبدالله فریار، کتابخانه ابن سینا، تهران.
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸)، درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۶)، سرشماری عمومی کشاورزی، مرکز آمار ایران، تهران.